

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

در بحث گذشته عرض کردیم که، کسانی که قائل اند که، اجتماع امر و نهی جایز هست، به عبادات مکروهه، مثل صوم روز عاشورا، یا صلاه در حمام، استدلال کرده و گفته اند: وقتی در شریعت اجتماع امر و نهی، یا اجتماع دو حکم، در شيء واحد به دو عنوان واقع شده، چون کسانی که می گویند: بین احکام شرعیه تضاد وجود دارد، بین وجوب حرمت و سایر احکام فرقی نمی گذارند، مثل صلاه در حمام، که هم عنوان وجوبی و هم کراهتی دارد، یا در صلاه مستحب در حمام، که جمع بین دو حکم استحبابی و کراهتی شده است. حال که در شریعت اجتماع دو حکم واقع شده، «ادل الدلیل علی امکان شيء وقوعه»، دیگر امکان اجتماع امر و نهی در شيء واحد مسلم است.

نقد و بررسی جواب های اجمالی آخوند(ره)

اشکالی به مثال مرحوم آخوند(ره)

البته نکته ای که باید دقت بفرمایید، این است که مرحوم آخوند(ره) وقتی برای عبادات مکروهه مثال زده اند، یکی از مثال هایشان، روزه در سفر است، در حالیکه روزه در سفر، جزء این امثله نمی تواند باشد. روزه در سفر؛ یا عنوان حرام دارد و مشروع نیست، یا در آن مواردی هم که استثناء شده، مثل اینکه کسانی که می روند مدینه، سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را مستحب است که روزه بگیرند، ولو قصد اقامه هم نمی کنند و نمی خواهند ده روز در مدینه بمانند، اما این روزه ی سه روز، استحباب دارد. پس نتیجه این می شود که، روزه در سفر، یا حرام است، یا آن که وارد شده و عنوان استحباب دارد. روزه در سفری که، دو حکم؛ یکی استحبابی و دیگری کراهتی در آن باشد، نداریم و لذا این مثالی که مرحوم آخوند(ره) زده اند، جزء عبادات مکروهه به حساب نمی آید.

روزه روز عاشورا، اصل روزه اش مسلم صحیح است، همان استحبابی که روزه سایر ایام هم دارد، اما روزه در سفر اصلاً مشروع نیست، اگر کسی در سفر غیر از این موارد استثناء، روزه گرفت، روزه اش باطل است. در این موردی هم که استثناء شده، کراهت وجود ندارد، یعنی روزه در سفر، اگر از آن موارد استثناء نباشد، اصلاً مشروع نیست و اگر از موارد استثناء باشد، فقط استحباب دارد و عنوان کراهت، دیگر همراه او نیست.

اگر کسی نذر کرد که، در سفر روزه بگیرد، که یا در حذر چنین نذری می کند، که معمول فقهاء همین را گفته اند، که انسان در حذر می تواند، نذر کند که در سفر روزه بگیرد، یا بعضی ها گفته اند: اگر در خود سفر هم نذر کرد که در سفر روزه بگیرد، درست است، آن هم عنوان واجب بالنذر را پیدا می کند و نه عنوان کراهت.

حالا خودتان عبارت کفایه را ببینید و حواشی را هم ملاحظه فرمایید، این يك اشکالی بر عبارت مرحوم آخوند(ره) است که چرا

ایشان صیام در سفر را جزء عبادات مکروهه شمرده‌اند.

صحت و متانه دو جواب اجمالی مرحوم آخوند(ره)

این دلیل قائلین به جواز، که در بحث گذشته عرض کردیم، که مرحوم آخوند (ره) يك جواب اجمالي و يك جواب تفصيلي به آن داده‌اند.

جواب اجمالی ایشان، تقریباً سه قسمت داشت، که قسمت اول و دوم، «في غايه الصحه و المتانه» و فرمایش درستی است. در جواب اول فرموده‌اند: «الظهور لا يصادم البرهان»، اگر در موردی برهان عقلي بر امتناع قائم شد و مواردی را در شریعت می‌بینیم که، به حسب ظاهر با این برهان عقلي سازگاری ندارد، این ظاهر نمی‌تواند برهان را از بین ببرد، بلکه با برهان عقلي، باید این ظواهر را به گونه‌ای توجیه کنیم.

در جواب دوم فرموده‌اند: خود قائل به جواز هم، باید در این عبادات مکروهه، يك راه حلي را پیدا کند، برای اینکه در این عبادات مکروهه، کراهت و استحباب، کراهت و وجوب، به يك چیز تعلق پیدا کرده و دو متعلق نداریم. در صوم یوم عاشور، همین صوم، هم مستحب و هم مکروه است، صلاه در حمام هم همینطور.

بین قائل به امتناع و جواز، در جایی که متعلق واحد است، اختلافی نیست. جایی که متعلق واحد است، اجتماع امر و نهی، هم نزد قائل به امتناع و هم نزد جوازی‌ها، ممتنع است. اختلاف امتناعی‌ها و جوازی‌ها در جایی است که، دو متعلق داشته باشیم، اما در عبادات مکروهه، يك متعلق داریم.

لذا مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: خود قائلین به جواز هم، گرفتار اشکال می‌شوند و باید يك راه حلي برای این اشکال درست کنند.

نقد و بررسی جواب سوم از جوابهای اجمالی

اما مرحوم آخوند(ره) در جواب سوم از این جوابهای اجمالی، مسئله مندوحه را مطرح کرده، – گفتیم این مندوحه، تکمیل برای جواب دوم است – فرموده‌اند: خصوصاً اشکال به جوازی‌ها این است که، در جایی که مندوحه در کار نیست، چه می‌کنید؟ در صوم یوم عاشورا، که مندوحه و بدل ندارد و نمی‌توانید قائل به اجتماع دو حکم شوید، یا باید بگویید: تراحم وجود دارد و یا باید بگویید: تعارض وجود دارد. دو حکم نمی‌توانند با هم اجتماع پیدا کنند.

اشکال بر این فرمایش این است که، در اوائل بحث اجتماع امر و نهی بیان کردیم که، نزاع در بحث اجتماع، بین وجود و عدم مندوحه فرقی نمی‌کند و آن ملاکی که در باب امتناع یا اجتماع امر و نهی وجود دارد، وجود یا عدم مندوحه نقشی ندارد. بلکه در فرض وجود مندوحه در مقام امتثال، عقل می‌گوید: حال که مندوحه داری، به جای صلاه در حمام یا صلاه در دار غصبی، برو جای دیگر نماز بخوان، اما جایی که مندوحه نیست، قدرت وجود ندارد، یعنی بدل در کار نیست. اما از حیث ملاك نزاع، که لزوم و عدم لزوم تضاد هست، مندوحه و عدم مندوحه، هیچ نقشی ندارد. لذا در بین این جوابهای اجمالی که مرحوم آخوند(ره) داده‌اند، جواب سوم ناتمام است.

نقد و بررسی جوابهای تفصیلی مرحوم آخوند(ره)

جواب آخوند(ره) در قسمت اول عبادات مکروهه

سراغ جوابهای تفصیلی مرحوم آخوند(ره) می‌آییم، – روز چهارشنبه عرض شد که ایشان فرموده‌اند: عبادات مکروهه را سه قسم می‌کنیم و در هر قسمی جداگانه بحث می‌کنیم – قسم اول در عبادات مکروهه این است که نهی به ذات عبادت تعلق پیدا کرده و

بدل هم در کار نیست، مثل صوم یوم عاشورا، که نهی به ذات این صوم تعلق پیدا کرده و بدلی هم در کار نیست، یعنی نمی‌توانیم بگوییم: روزه‌ی روز بعد، بدل از صوم یوم عاشورا است.

در اینجا مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: خود صوم مصلحت دارد، لذا اگر کسی روز عاشورا، روزه گرفت، خود صوم مصلحت دارد و صحیح است، اما در ترك صوم هم مصلحت وجود دارد، منتهی نه در خود ترك، بلکه در عنوان دیگری مصلحت وجود دارد که، مخالفت با بنی‌امیه است.

این عنوان، یا منطبق بر ترك است، یعنی وقتی کسی روز عاشورا، روزه را ترك کرد، عنوان مخالفت با بنی‌امیه، بر این ترك تطبیق می‌کند، یا ترك ملازم با این عنوان است و یا اینکه اصلاً نهی از صوم، يك حكم مولوي نیست، بلکه يك حكم ارشادي است به اینکه، در این ترك مصلحت وجود دارد.

دو نتیجه فرمایش آخوند(ره) در این قسمت

نتیجه فرمایش آخوند(ره) این می‌شود که، این کراهتی که در صوم یوم عاشورا هست، به معنای آن کراهت اصطلاحی نیست. کراهت اصطلاحی، یعنی کراهتی که در يك فعل، مفسده وجود دارد. وقتی می‌گویند: خوردن این شیء کراهت دارد، خوردن آب در این زمان کراهت دارد، یعنی در این فعل، مفسده‌ای وجود دارد. این کراهت در صوم یوم عاشورا، به معنای وجود مفسده نیست، بلکه به معنای وجود مصلحتی در این ترك است، هم فعل و هم ترك مصلحت‌دار می‌شود و تزامم دو مستحب می‌شود. پس نتیجه اول از فرمایش آخوند(ره) این است که، کراهت در اینجا به معنای کراهت مصطلح، که در خود فعل مفسده باشد، نیست، بلکه به معنای دیگری است،

دومین مطلب که نتیجه می‌گیریم این است که، به تزاممی که مرحوم آخوند(ره) در اینجا درست می‌کند، می‌گوییم: تزامم امتثالی یا تزامم در مقام امتثال. در خود روزه و هم در ترك آن، مصلحت وجود دارد. تزامم امتثالی معنایش این است که، اگر گفتیم: در این ترك مصلحت است و نسبت به مصلحت فعل، مصلحت اقوی هم است، نتیجه این می‌شود که، ترك را بر فعل رجحان دهیم.

این که اول بحث گفتیم: در روزه روز عاشورا، دو مطلب مسلم است، اگر کسی روزه بگیرد، صحیح است و اگر کسی، روزه را ترك کند، «الترك ارجح»، وجه ارجحیتش همین است که، مصلحت در ترك، بر مصلحت بر فعل غلبه دارد. اگر گفتیم: مصلحت این دو یکسان است و هیچکدام بر دیگری رجحان ندارد، تقریباً به اباهه و تخییر بر می‌گردد، می‌توانید فعل و یا ترك را انجام دهید، منتهی يك اباحه اقتضائی و نه اباحه لا اقتضائی است، یعنی اباحه‌ای است که، هم در فعل و هم در ترك، مصلحت یکسان وجود دارد. بنابراین نتیجه دوم از فرمایش مرحوم آخوند(ره) این شد که، تزامم در اینجا، تزامم در مقام امتثال است و باید قواعد تزامم امتثالی را اجرا کنیم.

سوالی در اینجا از آخوند(ره)

سوالی که در اینجا وجود دارد این است که، چرا آخوند(ره) مصلحت را به عنوان دیگری مربوط کرد، که آن عنوان، منطبق بر این ترك یا ملازم با این ترك است؟ یعنی چرا مرحوم آخوند(ره)، مستقیماً نفرموده که: در خود ترك مصلحت وجود دارد، بلکه فرموده: يك عنوانی بر این ترك منطبق است، که در آن عنوان مصلحت وجود دارد؟

اگر کسی این سوال را نسبت به فرمایش مرحوم آخوند(ره) مطرح کند، جوابهای متعدد می‌تواند مطرح شود.

يك جوابش این است که، ترك، يك امر عدمی است و در امر عدمی، نمی‌تواند مصلحت وجود داشته‌باشد. لذا مرحوم آخوند(ره) به دنبال يك عنوان وجودی، بنام مخالفت با بنی‌امیه بوده‌اند، که آن عنوان وجودی، می‌تواند دارای مصلحت باشد.

اشکال نائینی(ره) بر این قسمت فرمایش آخوند(ره)

اشکالاتی به این قسمت فرمایش آخوند(ره) وارد است، که عمده اشکال را مرحوم محقق نائینی(ره)(اجود التقريرات، جلد 2، صفحه 173) عنوان فرموده، که اول بر مرحوم آخوند(ره) اشکال کرده و بعد گفته‌اند: این جواب مرحوم آخوند(ره) را قبول نداریم، و خودشان در صدد برآمده و جواب دیگری را در این صوم یوم عاشورا، عنوان کرده‌اند.

اما اشکالی که بر آخوند(ره) داشته‌اند این است که، این فرمایش شما سر از استحاله در می‌آورد. اینکه بگوییم: هم در فعل و هم در ترك مصلحت وجود دارد، منتهی در ترك، به تبع آن عنوان وجودی مخالف با بنی‌امیه است و نه بالذات، لازمه‌اش این است که، امر به نقیضین شود، برای این که فعل و ترك، نقیض یکدیگرند، ترك یعنی عدم آن فعل.

اگر در هر دو، هم در فعل و هم در ترك مصلحت وجود دارد، این امر به نقیضین می‌شود، و این که مولا به نقیضین در زمان واحد امر می‌کند، محال است. یعنی بگوید: هم آوردن این عمل و هم ترك آن برای من مطلوبیت بالفعل دارد، هم فعل و هم ترك را در زمان واحد متعلق برای امر قرار دهد، این امر به نقیضین می‌شود و امر به نقیضین در زمان واحد محال است.

لذا مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: امر به نقیضین می‌شود. بعد فرموده‌اند که: اگر فرض کنیم در جایی، هم در فعل و هم در ترك فعل، مصلحت هست، این تزامم در مقام جعل و نه تزامم در مقام امتثال می‌شود. یعنی شارع می‌بیند که این عمل، عملی است که هم در فعل و هم در تركش مصلحت است، لذا تزامم در مقام جعل می‌شود و تزامم در مقام جعل، عبارت اخیری تعارض است. پس نتیجه این می‌شود که، یکی از این دو، بر دیگری مقدم می‌شود، یا این درست است یا آن.

بعد دو تنظیر کرده، فرموده‌اند: در جایی که دو ضدی که، «لا ثالث لهما» داریم، مثل سفید و سیاه، که ضدانی هستند که «لا ثالث لهما»، شارع نمی‌تواند، به این ضدین، در زمان واحد، امر کند و همچنین متلازمینی که تلازمشان، تلازم دائمی است، نمی‌توانند دو حکم مغایر با یکدیگر در زمان واحد داشته‌باشند.

بنابراین خلاصه فرمایش نائینی(ره) این است که، فعل و ترك نقیضین هستند، اگر بگوییم: در امر هر دو مصلحت وجود دارد، این امر به نقیضین یا ضدینی که «لا ثالث لهما» می‌شود. مثلاً در صوم روز عاشورا، ضدش، که ضد عام است، ترك صوم روز عاشورا است و بین صوم و ترك صوم، شق ثالث نداریم، پس «ضدان لیس لهما ثالث» می‌شود و نائینی(ره) فرموده‌اند: این نمی‌شود، چون امر تعیینی به هر دو تکلیف به محال است.

اگر سوال کنید، چرا امر به نقیضین و ضدینی که لا ثالث لهما، در زمان واحد محال است؟ می‌فرمایند: این امر، اگر امر تعیینی باشد، یعنی فعل و ترك تعییناً واجب است، این تکلیف به محال می‌شود، برای این که نمی‌شود در آن واحد، در زمان واحد، مکلف، هم فعل و هم ترك را بیاورد، این تکلیف به محال است.

و همچنین امر تخییری و طلب تخییری هم معنا ندارد. شارع نمی‌تواند نسبت به نقیضین یا ضدین لا ثالث لهما، طلب تخییری کرده و بگوید: شما بین فعل و ترك مخیرید، برای اینکه انسان یا فعل را انجام می‌دهد و یا ترك می‌کند، یکی از این دو قهری است، و اگر یکی از این دو قهری شد، دیگر طلب تخییری اثری ندارد.

طلب برای این است که انگیره ایجاد کند، وقتی می‌گوییم: این طلب هم نباشد، خود به خود یا فعل یا ترك الفعل حاصل است، لذا در امر به نقیضین، اگر مولا به نحو طلب تخییری بخواهد طلب کند، نتیجه‌اش طلب الحاصل است، طلب الحاصل هم محال است.

پس امر تعیینی سر از تکلیف به محال و امر تخییری سر از طلب حاصل در می‌آورد.

کبرایی که نائینی(ره) فرموده، این است که امر به نقیضین و ضدان لا ثالث لهما و متلازمینی که تلازم دائمی دارند محال است و نتیجه می‌گیرند که، در ما نحن فیه، یعنی صوم یوم عاشورا، طبق کلامی که مرحوم آخوند (ره) می‌خواهد بگوید، یا از موارد نقیضین و یا از موارد ضدان لیس لهما ثالث می‌شود و محال است.

مرحوم آقای خوئی (ره)(محاضرات، جلد 4، صفحه 318) به این فرمایش استادشان اشکال کرده‌اند. این اشکال را ملاحظه بفرمایید ان شاء الله دوشنبه اشکال را عرض می‌کنیم.

